

رقابت می کنند دیگر. می گویند که بطور شد او اینقدر بالا رفت من نتوانستم. پس او از اینجا بریده [انگشت دستش را نشان می دهد]. این میاد از اینجا می بره. [مچ دستش را نشان می دهد]. آن دیگری از اینجا می برد [آرنج خود را نشان می دهد]. اون چهارمی از اینجا می برد [بازوی خود را نشان می دهد] و خشونت این هاست. او کج فهمیده. آن بابای مغز پوک کج فهمیده آنها را. باید در اینجا کار کند. ۶۴ میلیون هکتار اراضی که الان دوازده - چهارده میلیون نش دایر شده.

آن هم که نصفش دیم است و امسال از بین رفته. شما هفت میلیون هکتار زمین دارید. پس بیشتر از یک میلیون - دو میلیون هکتار برای گندم نداریم. باید گندم را «مرگ بر آمریکا»، از آمریکا بخریم. این ننگ نیست برای ما؟

■ حاج آقا فکر می کنید این بلای خشکسالی برای چه پدید آمده؟

- [علت خشکسالی] فرار از دین است. فرار از زکات است. ما زکات نپرداختیم خدا پدیمان را در آورد.

■ خب مالیات که به دولت اسلامی می دهیم.

- آنها که در آنجا هستند مالیات نمی دهند. مالیات مال قلدرهاست. من تعبیرم قلدر است. مثال که زدم. [اشاره به دستش می کند و مثال چند دقیقه قبل.] این به نوع قلدری است دیگر. اینها هم بازاری اند این جور نیست؟

آیه ای هست که اگر شما از فرامین ما، دستورات ما سرپیچی کنید و لو ان اهل القرى به امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض و لکن کذبوا ما هم پدرشان را در آوردیم و اخذناهم بماکان یکسون.

آب یعنی غذا. آب یعنی حیات. آب یعنی زندگی. آب یعنی زندگی شش میلیارد بشر. الان دنیا با بی آبی در کل جهان مواجه است. مثلاً ببینید برای هر ایرانی ۱۵ لیتر آب در ۲۴ ساعت منظور کرده اند. ما ۲۱۰ لیتر مصرف می کنیم. فرانسه که تولیدکننده و صادرکننده آب هست به اندازه نفت ما بلکه بیشتر از نفت ما، آب آشامیدنی صادر می کند. این بابا ۷۰ لیتر آب مصرف می کند. من لات ۲۱۰ لیتر. اون غیر مسلمان است. حالا در اینجا شاید کسی اظهار کند که اونها با کاغذ خودشان را تمیز می کنند. [می خندد] اون هم که ۱۰ - ۱۵ لیتر است.

■ حاج آقا فکر می کنید این وام های خارجی تا چه حد اقتصاد ما را رونق می دهد؟

- البته آنها را دولت می داند و رهبر. من در جریانم نیستم تا صاحب نظر باشم و بگویم که مثلاً مفید است یا غیر مفید است. آنها می دانند. حتماً با مشورت رهبر انجام می دهند دیگر. اگر رهبر قبول کرده من هم سمعاً و طاعتاً. قبول نکرده، من هم قبول نمی کنم.

و فرهنگی جوان ها و جامعه مربوط بود. حالا بفرمایید که به لحاظ معیشتی و اقتصادی باید چه فکری به حال جوان ها و کلاً مردم ایران بشود.

- عرض کنم که من به شهر نشینی معتقد نیستم. این عقیده شخصی خود من است. باید مردم بروند [به سراغ] این ۶۴ میلیون هکتار اراضی کشور یا بالغ بر ۲۰۰ میلیون هکتار با جنگل ها و مراتع و غیره و ذالک. ما باید برویم سراغ سدها، سراغ آب ها، سراغ تولید، سراغ کشاورزی. از لابه لای قرآن، لابه لای حدیث این ها



[علت خشکسالی] فرار از دین است. فرار از زکات است. ما زکات نپرداختیم، خدا پدیمان را در آورد

را استخراج کنیم. همین امروز هم من [در خطبه ها] صحبت خواهم کرد در مورد آب.

■ یعنی روستا نشینی می تواند مشکلات اقتصادی را حل کند؟

- ۸۰ درصد. ببینید من هیچ کس را نمی گویم. شما یک خانواده را همین امروز بروید در یک روستا ببینید. دو تا گاو و بیست تا مرغ نگه می دارد. بیاید یک زندگی شهری را هم مطالعه کنید که مثل من و شما ماهی ۶۰ هزار تومان و ۸۰ هزار تومان حقوق می گیرد. اون که ۲ تا گاو دارد و ۲۰ تا مرغ نگه داشته خودش هم کار می کند برای آنها. ببینید زندگی آن آرام بخش است یا زندگی این بابا که ۸۰ هزار تومان ماهیانه پول می گیرد؟ یا خیر آن بابایی که نشسته توی مغازه خودش و چیز فروشی می کند. ببینید زندگی این چیه زندگی آن چیه. آن آرام تر است [یا] این آرام تر است. آن به خدا نزدیک است یا این به خدا نزدیک است. اگر در عالم خدایی باشد [اگر] که نیست، هیچ. بنابراین مادامی که در این ساختمان ها سنگ های زینتی و قیمتی بالا می رود ما آرامشی پیدا نخواهیم کرد. یک نوع رقابت است. عرض کنم که [مثلاً] من و شما در انتخابات شرکت می کنیم. در انتخابات ریاست جمهوری، شوراهای شهر، مجلس شورا. آنها هم با همدیگر

■ حاج آقا به هر حال این گفت و گو در هر نشریه ای که چاپ بشود، خواننده اش بیشتر جوان ها هستند. شما امروز هم با جوانان شهرتان گفت و گو داشتید که به هر حال قسمت نبوده به حضورتان بیایند. شما چه پیامی برای جوان های این کشور دارید؟ چه سفارشی دارید؟ جوان ها در این اوضاع زمانه و در قرن بیست و یکم چه کنند. چه پناهی دارند؟

۱ - به قرآن پناهنده بشوند. ۲. به حدیث پناهنده بشوند. ۳. به فرامین رهبر، واقعاً خاضعانه، مطیعانه. من هم همین طور هستم. اگر ما امروز به قرآن و حدیث هم بخواهیم نگاه کنیم باید از زاویه و دیدگاه نظریه رهبر برویم. نه این که مثلاً من از این آیه این استفاده را می کنم. [در آن صورت] می شود حرف قبلی شما دیگر [که] می گوید [من از این حدیث این جور می فهمم. می گویم که فهم تو برای خودت هم محترم نیست. از دیدگاه رهبر وارد قرآن و حدیث بشوند. نجات در این است. غیر از این راه نجاتی نیست. قاطعانه من دارم عرض می کنم. خب اگر جوان ها قرآن را نمی شناسند، حدیث نمی شناسند جوانان دیگر. باید این کارها را انجام بدهند و بروند دنبال این ها.

■ چرا جوان ها قرآن و

حدیث را نمی شناسند؟ چه شده که نمی شناسند؟ - همین روزنامه ها نمی گذارند. همین وزیر ارشادها نمی گذارند. همین آزادی، همین مسئله ای که یک ساعت است ما [درباره اش] بحث کرده ایم. همین ها نمی گذارند. [جوان با خودش] می گوید خب حسنی هم آخوند است این هم آخوند است. مصباح یزدی هم آخوند است. فلانی هم آخوند است. ما او را انتخاب کرده ایم و الی آخر. این ها مسائلی است برای جوان ها. من هم که قوه قهریه ندارم بروم جوان ها را با زور بیارم مسجد بگویم بیاید مسجد من خطبه برای شما بخوانم. این روزنامه ها پدر این ها را آورده اند و ضال و مضل شده اند و اضلال کرده اند و نسل جوان را [به] افساد کشیده اند، به نام اسلام، به نام قرآن و به نام دین.

■ یعنی فکر می کنید قبل از این که این روزنامه ها به وجود بیایند، وضعیت معنوی جوانان ما بهتر بود؟ - حداقل قابل کنترل بود.

■ یعنی الان قابل کنترل نیست؟ - نیست، نخیر. مردی که عکس ۳۰ تازن را در جیب دارد و آنها را می فروشد...

■ ... یعنی عکس زن ها را می فروشد؟ - صاحب عکس را، نه عکس را! ■ چیزهایی که شما فرمودید بیشتر به مسائل معنوی